



در تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، رشت و شهرهای دیگر میلیونها نفر علیه دیکتاتوری به خیابان ها ریختند و فریاد زدند:

ما زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم

وحشت بی انتهای حکومت از اطلاع رسانی و ارتباطات اجتماعی: ایمیل نیز بسته شد

برای عبور از سد فیلترینگ از فیلترشکن خیابان بهره بگیرید:
<http://xyaban.co.cc/>
مجموعه دیگری از فیلترشکن ها:

<http://azadibarabary.co.cc/>
<http://ememerahel.co.cc/>
<http://seidali.co.cc/>
<http://velayatefacism.co.cc/>
<http://mahmoodan.info/>

نشریه خیابان را برای دوستانتان ارسال کنید. در صورت امکان، خیابان را پرینت گرفته و به دیگران برسانید. گزارش ها و عکس های اعتراضات را به آدرس ایمیل خیابان بفرستید. آرشبو خیابان را در این آدرس ببینید:
<http://issuu.com/xyaban>



احمدی نژاد انتخابات ایران را آزادترین انتخابات تاریخ بشر خواند

نماینده مجلس خبرگان در

سندج

به ضرب گلوله کشته شد

گزارش تصویری از تظاهرات اعتراضی مردم علیه دیکتاتوری

آنگاه که جای متهم و شاکی عوض می شود....

محکومیت کیفری ۶ دانشجوی دانشگاه زنجان خرداد ماه سال گذشته خبری منتشر گردید مبنی بر این که حسن مددی، معاون دانشگاه زنجان و رئیس کمیته انضباطی دانشگاه، با تهدید به اخراج و پیشنهاد صیغه، قصد سوء استفاده جنسی از یک دانشجوی دختر را داشته و هنگامی که مشغول در آوردن مقنعه و مانتوی آن دختر بوده شش نفر از دانشجویان پسر دانشگاه با اطلاع قبلی دختر دانشجو قفل در را شکسته و ضمن برخورد با آقای مددی به فیلمبرداری می پردازند و از سو قصد جنسی جلوگیری میکنند. در پی این امر هزاران دانشجوی دانشگاه به تظاهرات پرداختند.

اکنون همان شش تن دانشجو که معترض و افشا کننده ی قصد سوء استفاده ی جنسی حسن مددی، معاون دانشگاه زنجان، از آن دانشجو دختر بودند، مجازات می گردند. اتهام این دانشجویان «تشویش اذهان عمومی و تحریک به تجمع غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور» است.

در این رابطه بهرام واحدی، سورنا هاشمی، آرش رایجی، پیام شکبیا و محمدحسن جنیدی هر کدام به یک سال، و علیرضا فیروزی به یک سال و چهار ماه حبس محکوم گردیدند.

حسن مددی هم اکنون در سمتی دیگر در وزارت علوم مشغول به کار است.

این واقعه را می توان یکی از نخستین نشانه های تعرض و تجاوز به حریم انسانی افراد در نظام مقدس جمهوری اسلامی متاخر دانست که با وقاحتی شرم آور بر گستره فساد آن سرپوش نهاده شد و نهایتا نیز به محکومیت معترضین و شاکیان امر انجامید. اما بدون شک جنبش اعتراضی نوین مردم ایران، پاسخی درخور به تمامی این افتضاحات و مفاسد سازمان یافته خواهد داد.

جمهوری اسلامی در سراشیب سقوط

امیر ک

«دروغگو، دروغگو شصت و سه درصدت کو؟» این شعار را مردم در پشت نرده های دانشگاه تهران و رو به احمدی نژاد فریاد زدند، در روز قدس، و در چند صد متری تریبون نماز جمعه. این لحظه، لحظه ی تغییر توازن قوا در ایران است. حاکمیت در سی سال گذشته همواره متکی بر بدنه ی معین و فعالی از جامعه بوده است که نقش جاده صافکن سیاست های ضدانسانی حکومت را بر عهده داشته اند. روزهایی که حکومت آنان را «یوم الله» می خواند، یعنی روزهای به میدان کشاندن این بخش از هواداران خود، و قلع و قمع مخالفان خود. سیاست جمهوری اسلامی هیچگاه با حمایت اکثریت مردم پشتیبانی نمی شده، اما وجود درصد قابل ملاحظه ای از جامعه که بصورت فعالانه در خدمت این سیاست ها بوده اند، و نیز خاموشی و سکوت اکثریت جامعه، همواره توازن قوا را به نفع دیکتاتوری حفظ می کرده است. این توازن اما تغییر یافته است.

هر طبقه ی مسلطی همواره از طریق دو سازوکار سلطه ی خود را حذف می کند. پلیس و زندان و دادگاه و کاربرد زور از یکطرف، و فریبکاری ایدئولوژیک از طرف دیگر. حکومت های طبقاتی تنها تفنگداران بی مغز و قاضیان فاسدی ندارد که با بگیر و ببند و داغ و درفش حاکمیت را حفظ کند. بلکه آنها به طرق مختلف، از طریق باورهای مذهبی، آموزش، رسانه های جمعی، و بسیاری موارد دیگر تلاش می کنند توافق زیر دستان را بر حکومت خود جلب کنند. انتخابات یکی از نمایش هایی است که به حضور خود در مافوق جامعه مشروعیت ببخشند و مردمان را قانع کنند که آنها نقش مهمی در تعیین سرنوشت خود دارند. می گویند ما نماینده ی خدا هستیم تا هاله ای قدسی به خود بدهند. می گویند فقط ما می توانیم امنیت اجتماعی را حفظ کنیم، رشد اقتصادی ایجاد کنیم و اشتغال ایجاد کنیم.

تقلب در همین انتخابات نمایشی، و قتل عام آشکار مردم در جلوی هزاران دوربین عکاسی، افشای شکنجه ها و تجاوزات در مقیاس وسیع، و ناکارآمدی اقتصادی، مشروعیت حکومت را به صفر رساند و اکثریت خاموش را فعال کرد. آن گروه های اجتماعی که به طور سنتی پیاده نظام جنگ های جمهوری اسلامی علیه مخالفان سیاسی خود بود، به دلیل مواجهه با جنایت های آشکار نظام ایمان خود را به آنان از دست داده و حتی اگر به صف مخالفان نیبوسته باشد، دیگر انگیزه و تمایلی برای دفاع آشکار از حکومت ندارد. آنها کشتار مردم بی سلاح در خیابان ها را دیدند. آنها اخبار تجاوزهای جنسی به دختران و پسران بازداشت شده را شنیدند. آنها دیگر قائل به معصومیت و الهی بودن حاکمیت نیستند. آنها دیگر فعالانه برای دفاع از حاکمیت به خیابان ها نمیایند.

اکثریت خاموش، که موجودیت اجتماعی و فردی خود را در خطر نابودی فوری می بیند دست به عکس العمل زده و قصد عقب نشینی ندارند. آنها متوجه شدند که اگر تک تک پیکار کنند به راحتی قتل عام می شوند. اما هر زمان که در جمعیت خود فعال شوند، هیچ سلاحی بر آنان کارگر نیست. آنها باید همگانی به خیابان بیایند، و می آیند.

جمهوری اسلامی اکنون دارد سقوط می کند. دیروز یقینی جمعی متولد شد. نظام موجود تنها بر پایه ی زور و مشتى حقوق بگیر باقی مانده است. این نظام بی در و پیکر، فربه و سنگین، بر ترکه ی ضعیفی ایستاده است. حکومتی که بر خیابان ها فرمان نراند، بر ارگ خود هم فرمان نخواهد راند.

رئیس دولت دروغ

احمدی نژاد در سخنرانی دیروز خود گفت: «شعار دموکراسی می دهند ولی وقتی چهل میلیون در آزادترین انتخابات تاریخ بشر شرکت می کنند می گویند دموکراسی نیست اما در فلسطین اجازه نمی دهند مردم سرنوشت خود را تعیین کنند»

ابلهی وقیح که در کشوری که غالب جامعه باسواد است و بخش عمده ای تحصیل کرده ی دانشگاهی، در جامعه ای که اگر چه غالباً متحمل استبداد بوده اما هنوز خاطراتی از سالهای ۵۷ تا ۶۰ را در ذهنی جمعی خود مرور می کند، جامعه ای که با اینترنت و ماهواره متصل است به جهان، در چنین جامعه ای به مضحکه ی انتخاباتی نظام می گوید آزادترین انتخابات تاریخ بشر. باز آن خشک مغزی که در سپاه بر روی ثروت جامعه چمباتمه زده و می گوید انتخابات بحران زاست و باید فکری به حال تعطیلی کاملش کرد، و یا آن آخوندی که می گوید ما را خدا بر سر کار برگمارده و ملت شعور چنین گزینشی را ندارد به درجاتی پشت سر او قرار دارند. بی خود نیست در این مافیای فاسد، وقیح، جنایتکار و قسی، او در کلبه ی دولت اسلامی رئیس شده است.

نخاله پروری نظام ولایت فقیه حد اعلای خود را در این محصول جدیدش نشان داده است. مغزی تهی و دهانی گشوده. او درست زمانی این سخنان را می گوید که صدای صدها هزار نفر را می شنود که به او می گویند دروغگو. تا آرنج دستش در خون جوانان ایران است و از احقاق حقوق فلسطین سخن می گوید. از دموکراسی سخن می گوید و با گلوله حکم می راند. از مردم حرف می زند و تجسم نامردمی است. از عدالت سخن می گوید و رئیس ثروتمندترینان است. از غرور سخن می گوید و حقیرترین است. او چیزی از گوبلز شنیده، اما تا آخر آن کتاب را نخوانده است.

اخبار کوتاه

دو مترجم و ویراستار بازداشت شدند

علی پیرحسین‌لو و فاطمه ستوده بازداشت شدند به گزارش رسانه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان، ماموران وزارت اطلاعات بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۶ شهریور به منزل مسکونی این زوج جوان رفته و پس از تفتیش منزل آنها را با خود برده‌اند. بنا به این گزارش، علی پیرحسین‌لو و همسرش فاطمه ستوده، هر دو مترجم و ویراستار کتاب هستند و پس از انتخابات ریاست جمهوری، فعالیتی نداشته‌اند.

موج جدید فیلترینگ در ایران

از ظهر امروز، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹ برابر با ۲۷ شهریور ۸۸، اینترنت را بدون اعلام قبلی در ایران فیلتر کرده اند. حتی امکان ارسال ایمیل هم وجود ندارد. این اقدام از آن رو صورت گرفته است تا امکان ارسال تصاویر و فیلم های تظاهرات اعتراضی جمعه وجود نداشته باشد

اعتراضات شبانه در مناطق مختلف تهران

نابه گزارشات رسیده از مناطق مختلف ،مردم تهران در ادامه اعتراضات گسترده امروز خود علیه سرکوب خونین مردم بدستور ولی فقیه، امشب در مناطق مختلف مردم اعتراضات شبانه خود را در خیابانها برگزار کردند. اعتراضات شبانه که از ساعت ۲۲:۰۰ شروع شده است. مردم تهران در اکثر مناطق بر بام منازل و کوچه های خود اقدام به اعتراض نمودند ولی در بعضی از مناطق بجای قرار گرفتن بر بام منازل خود اعتراضات خود را به خیابانها کشاندند و در خیابانها اقدام به سر دادن بانگ الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور نمودند این اعتراضات تا لحظه انتشار این خبر ادامه دارد.

مناطقى که مردم در حال حاضر در حال انجام اعتراضات شبانه هستند و بانگ الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور سر مى دهند عبارتند از؛ سعادت آباد و صادقیه است .

تا لحظه انتشار این خبر گزارشی از درگیری نیروهای سرکوبگر ولی فقیه با مردم داده نشده است.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

۲۷ شهریور ۱۳۸۸

نماینده کردستان در مجلس خبرگان به ضرب گلوله کشته شد

به فاصله چند روز بعد از ترور امام جمعه ی سنی سندج، نماینده کردستان در مجلس خبرگان نیز مورد سوءقصد قرار گرفت و کشته شد.

به گزارش ایرنا، شیخ الاسلام شامگاه پنجشنبه پس از اقامه نماز مغرب در مسجد سید قطب سندج توسط افراد مسلح ناشناس هدف قرار گرفت.

در این سوء قصد، ملامحمد شیخ الاسلام که از ناحیه سر مورد اصابت دو گلوله قرار گرفت در دم کشته شد.

براساس آخرین اخبار جسد او به سردخانه بیمارستان بعثت سندج منتقل شده است. تا کنون هیچ گروهی مسئولیت این ترورها را به عهده نگرفته است

اعتراضات گسترده در شهرهای کشور

گزارشهای منتشر شده حکایت از درگیری میان نیروهای انتظامی و امنیتی با دانشجویان و مردم، دراصفهان را دارد. دانشگاه اصفهان در ساعات صبح روز جمعه در محاصره نیروی انتظامی قرار گرفت. در اصفهان عملا حکومت نظامی برقرار شده بود و ماموران امنیتی و انتظامی و لباس شخصی حضور بسیار پر رنگی داشتند. با این حال جمعیت معترض در دانشگاه صنعتی، خیابان چهار باغ عباس و خیابان انقلاب تجمع کرده و شعار سر دادند. نیروهای سرکوب برای متفرق کردن مردم اقدام به شلیک گاز اشک آور در برابر دانشگاه صنعتی کرده و با مردم درگیر شدند. در مشهد میان مردم و نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم در حوالی تقی آباد درگیری روی داد و نیروهای سرکوب رژیم با حمله به مردم تعدادی را دستگیر کردند. براساس این خبرها تظاهراتی که از صبح جمعه در تقی آباد به سمت دانشگاه آغاز شده بود با وجود یورش ماموران ادامه یافت. مردم در حوالی میدان هفت تیر شعار می دادند: مرگ بر دیکتاتور!

نیروهای انتظامی و بسیجی در کرمان نیز به اجتماع مردم معترض که تلاش می کردند در خیابان دبیر اعظم تجمع کنند حمله ور شده و حداقل ۵ نفر را دستگیر کردند.



بند بند استبداد لرزید

تهران- یک روز فلسطین واقعی

صبح ساعت ۹ خیابان به طور عجیبی شلوغ است و عجیب تر ان که تمام تاکسی ها مستقیم ۷ تیر می روند. میدان هفت تیر مملو از جمعیتی بود دستبندهای سبز به دست داشتند و شعارهای همیشگی خود را در پیوند با مردم فلسطین فریاد می کرد:

ای داد از این جنایت غزه بیا حمایت

احمدی تروریست فرق تو با شارون چیست؟

ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین

نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران

را در کنار شعار

کروبی دستگیر بشه ایران قیامت می شه

نصرالله حیا کن کشورمو رها کن

وانتی از همان هایی که یک بلند گوی گنده پشتش می

گذارند خود را جلوی جمعیت رساند و سعی کرد شعارهای

مرگ بر امریکا را به جمعیت تحمیل کند اما در پاسخ فقط

مرگ بر روسیه و بگو مرگ بر چین و دولت دست نشانده نمی

خوایم نمی خوایم شنید و تا فریاد برآورد خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست پاسخ شنید خونی که در رگ ماست هدیه به ملت ماست. وانت فرار را بر قرار ترجیح داد. نیروهای یگان ویژه جلوی پل کریمخان را بستند و به جمعیت اجازه عبور ندادند اما اینقدر جمعیت زیاد شد که مجبور شد پل را بگشاید به قول مردم پل فتح شد. جمعیت دور میدان ولیعصر که از همان بلندگوهای کر کننده قرار داشت تنها با سوت و هو کسانی که عکس خامنه ای داشتند مسخره کردند و شعار می دادند: بلندگو رو خفش کن حرفای ما رو گوش کن

جمعیت به سمت بلوار کشاورز حرکت کرد و هنوز شعارها در مورد انتخابات و تقلب بود : ۶۳ □ که میگن کو دروغگو، احمدی عمرعاص ۶۳ درصد اینجاست و همینطور شعارهایی به یاد جانباختگان: ندای ما ندا بود بلندترین صدا بود، سهراب ما نمرده ولایت که مرده، ما همه یک صداییم ما همگی نداییم، تجاوز شکنجه دیگر اثر ندارد، شعارهای بسیاری هم در حمایت از صانعی و منتظری داده می شد. همینطور هنگامی که از جلوی این به ظاهر تظاهر کنندگان و در اصل لباس شخصی ها می گذشتند « ما اهل کوفه نیستیم پول بگیریم بایستیم»

جمعیت که به پارک لاله رسید نیروهای لباس شخصی که در ظاهر تظاهرکنندگان روز قدس غیر مسلح از پشت به جمعیت هجوم آورد البته حمله نکرد تنها جمعیت را قیچی کردند و خود کنترل بلوار را در اختیار گرفتند که جمعیت فریاد برآورد احمدی اسرئیل پیوندتان مبارک جمعیت در پارک لاله جمع شد و شروع به شعار داد که دیگر حال و هوای ان چیر دیگری بود« کروبی بت شکن بت بزرگ و بشکن» «خامنه ای قاتله ولایتش باطله» «اون که می گه عادلۀ دروغ می گه قاتله» «مجتبی بمیری رهبری رو نگیری» دیگر جمعیت ابایی نداشت شعار اصلی خود را بر زبان آورد. جمعیت مدتی در بلوار کشاورز که راهش را بسته بودند ایستاد و شعار داد ولی وقتی نماز شروع شد پشت به نماز جمعه و به سمت میدان ولیعصر حرکت کرد جمعیت شعار می داد «ما اهل کوفه نیستیم پشت یزید بایستیم» باز هم راه را بستند جمعیت به سمت فسطین حرکت می کرد و شعار می داد و از کوچه ها وارد خیابان ولیعصر شد جمعیت همینطور بر علیه خامنه ای و سپاه و بسیج شعار می داد. مقابل ساختمان ایرنا هم جمعیت فریاد «دروغگو دروغگو» «ایرنا حیا کن بیت المال و حیا کن » «ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»سر دادند. نماز جمعه که تمام شد بسیجی ها زجیر پاره کرده سر سه راه عباس اباد به مردم حمله کردند اما جمعیت نهراسید و به سمت ان ها هجوم برد بسیجی ها چنان پا به فرار گذاشتند که مورد مضحکه جمع قرار گرفتند. در جایی دیگر هم یگان ویژه دو دختر را می کشید که دستگیر کند که مردم به یگان حمله بردند یگان ویژه که خود را در محاصره مردم دید دو دختر را ول کرد. بسیجی ها این بار مسلح و با تعداد بیشتر برگشتند به شدت گاز اشک آور زدند و مردم نیز در پاسخ سنگ پرانی کردند یک لحظه صحنه ای واقعی از انتفاضه مردم ایران به تصویر کشیده شد. اینجا دیگر فقط مرگ بر خامنه ای می شنیدی جمعیت مصمم بود خود را دوباره به میدان هفت تیر برساند اما نماز که تمام شد مورد حملات بی امان نیروهای زنجیر پاره کرده بسیج قرار گرفتند. و جمعیت در ساعت ۳ متفرق شد. رژیم کوشید دسته های معترضین را از پیوستن به هم دارد و هر کدام را در جایی متوقف کرده بود. به گروهی که اجازه حرکت از ۷ تیر نداده بود همانجا با نیروها درگیر شده بودند و چند موتور را آتش کشیدند و عده ای هم در ان جا وحشیانه دستگیر شدند صدای گلوله قطع نمی شد. خبر رسید مسیر انقلاب تا آزادی نیز بسیار شلوغ شده است. رژیم با این که کوشید میان مردم فاصله بیاندازد و از این فاصله ها به نفع خود بهره برداری کند نتوانست مانع حضور میلیونی و شعار دادن آنان شود. برای رژیم بسیاری چیزها ثابت شد.



ایران: تشدید سرکوب وب نگاران و کاربران اینترنت

اطلاعیه مطبوعاتی گزارشگران بدون مرز

پس از صدها بازداشت معترض و مخالف و محاکمات نمایشی، سرکوب بر روی وب نگاران و کاربران اینترنت تشدید و تمرکز یافته است. گزارشگران بدون مرز از دستگیری یکی از قدیمی ترین وبلاگ نویسان ایران علی پیرحسینلو مطلع شده است. این روزنامه نگار و همکار بسیاری از روزنامه های توقیف شده اصلاح طلب، شبانگاه ۲۶ شهریور پس از تفتیش منزلش از سوی ماموران اطلاعاتی به همراه همسرش فاطمه ستوده بازداشت و به محل نامعلومی انتقال یافته است. اتهام این روزنامه نگار و همسرش « اقدام علیه امنیت ملی» اعلام شده است. یک روز پیش از ۲۷ شهریور و تظاهرات مخالفان در سراسر ایران، تعداد دیگری از فعالان سیاسی و مطبوعاتی بازداشت و یا به نهادهای قضایی – امنیتی احضار شده اند.

گزارشگران بدون مرز در این باره اعلام می کند : از هفته ها پیش اینترنت و کاربران آن هدف جدی حملات هواداران محمود احمدی نژاد قرار گرفته اند. در پی توقیف مطبوعات این بار مقامات مسئول جمهوری اسلامی به ابزارهای دسترسی اسان به اطلاعات رسانی در باره سرکوب و اعتراض حمله کرده اند. تقریبا همه سایت اطلاع رسانی داخل کشور مورد حمله قرار گرفته و یا مسدود شده اند. «هک» و حمله به برخی سایت ها به شکل سازمان یافته انجام می گیرید. شبکه اینترنت که در دادگاه های نمایشی از سوی دادستانی بر نیمکت اتهام قرار گرفته است، تنها امکان سازمان یابی اعتراض است که باید به سکوت وادار شود.
»

نوروز سایت رسمی حزب مشارکت ، پارلمان نیور سایت اقلیت اطلاع طلب مجلس، سایت تغییر وابسته به کاندیدای معترض مهدی کروبی، و سایت های وب نگاران فمینیست تغییر برای برابری و مدرسه فمینیستی از جمله سایت های هستند که مورد حمله قرار گرفته و یا مسدود شده اند. دامنه مسدود سازی به شهرستان ها هم کشیده شده است سایت کرمان نما نیز از جمله قربانیان مسدود سازی گسترده روزهای اخیر است.

گزارشگران بدون مرز نگرانی خود را از وضعیت بازداشت محمد پور عبدالله دانشجوی وبلاگ نویس اعلام می کند. وی برای نوشتن مطالبی در وبلاگ پیشرو در باره سرکوب جنبش دانشجویی، وضعیت بازداشت و بازجویی از دانشجویان دستگیر شده، در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۸۷ بازداشت و به مدت ۲۳ روز در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین تحت فشارو بازجویی قرار داشت. در تاریخ ۲۳ فروردین و در اولین جلسه دادگاه به دلیل عدم پذیرش اتهامات واهی، بازداشت موقت وی تمدید و به انفرادی بازگردانده و سپس بدون حکم به زندان قزل حصار منتقل شده است. که همچنان در بلاتکلیفی بسر می برد.

محمد پور عبدالله نخستین بار در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۷۶ و در پی تظاهرات ۱۶ آذر دانشجویان در تهران بازداشت شد و بعد از ۴۱ روز با قرار وثیقه ۸۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. نوشتن مقالاتی در باره وضعیت زندان و سرکوب جنبش دانشجویی پس از آزادی یکی از دلایل اصلی دستگیری او به شمار می آید. علت لجاجت و سخت گیری های دستگاه قضایی علیه این دانشجوی وبلاگ نویس بر خانواده و وکلای او معلوم نیست.

(گزارشگران بدون مرز انجمن بین المللی دفاع از روزنامه نگاران زندانی و آزادی مطبوعات بر مبنای اصل ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است)



پیام مبارز فلسطینی به مردم ایران

مردم عزیز ایران،

در طول سی سال گذشته، رژیم حاکم بر ایران آرمان فلسطین را همچون دستمایه ای استفاده کرده است تا بدان وسیله توجه همگان را از سرکوبگریهای خود منحرف کند. من از مردم ایران سپاسگزارم، چرا که آنان سالیان سال از مردم فلسطین پشتیبانی نموده اند، به ویژه به خاطر اینکه در این روز قدس، مردم ایران در زیر ستم حکومتی غیر منتخب هستند، که از بسیاری جهت ها همانند ستمی است که بر مردم فلسطین می‌رود.

به عنوان یک فلسطینی، جنگجوی مادامالعمری که برای آزادی و استقلال فلسطین می‌رزم، و به عنوان یکی از رهبران انتفاضه ی اول فلسطینیان، من به شدت نقض حقوق بشر و خشونت‌های مکرر این رژیم علیه معترضان، کوششگران و زندانیان خشونت پرهیز را محکوم می‌کنم. من همبستگی کامل خود را با مردم ایران اعلام کرده و پشتیبان آنان هستم. من اطمینان دارم که آنان با مقاومت و توانمندی خویش، به ایرانی آزاد و دموکراتیک دست خواهند یافت تا بتوانند در چنان کشوری فرزندان خود را پرورش داده و از زندگی سعادت‌مندی بهره‌مند شوند.

با همبستگی – مبارک عواد

جمعه ۲۷ شهریور در قاب دوربین ها



یک نیروی ضعیف چگونه می تواند بر نیرویی قوی تر از خودش پیروز شود؟

احمد پوری

(بخش دوم)

دگم مبارزه مسلحانه

هیچ شکلی از مبارزه مقدس نیست. هر شکلی در رابطه با موقعیت و محتوای خاص می تواند مناسب باشد.

کسانی که بدون توجه به تناسب نیروها، موقعیت مشخص ، وضعیت توده ها ، درجه سازماندهی توده های پیشرو دائما دم از مبارزه مسلحانه می زنند و آنرا به مثابه عالی ترین مرحله مبارزه می شمارند تنها نادانی و بی مسئولیتی خود را در مبارزه طبقاتی به نمایش می گذارند . اینها بزرگترین خدمت را به دشمن می کنند. مبارزه در خیابان صحنه تئاتر نیست، اگر مردی از پشت صحنه زنده برنمی گردی.

در شرایط حاضر مبارزه مسلحانه میدانی است که ضعیف ترین نقطه نیروهای مردمی و قوی ترین نقطه دشمن است. دشمنی که به اندازه کافی سپاه، ارتش، نیروهای ویژه سرکوب متشکل از جنایت کارترین افراد را دارد و میلیاردها دلار سرمایه های ملی را با پیشرفته ترین سلاح ها در اختیار نیروای نظامی خودش قرار داده است اگر امکان دمکراتیکی ایجاد شود که توده ها بدون پرداخت هزینه بتوانند نارضایتی خود را از رژیم ابراز کنند در ابعاد میلیونی به میدان خواهند آمد.

رقابت در میدان دمکراتیک و مسالمت آمیز برای رژیم زهر مطلق است. یکی از پیامدهای کاربرد خشونت نا به هنگام از جانب نیروهای مترقی موجب سرکوب ددمشنامه قداره بندان جمهوری اسلامی شده در نتیجه تعداد بیشتری از توده های ناراضی خانه نشین شده و جرئت حضور در صحنه را از دست خواهند داد.
زمانیکه دولت جواب هر گونه تظاهرات مسالمت آمیز را با گلوله پاسخ گوید یعنی دولت می خواهد مبارزه را به سطح مسلحانه کانالیزه کند. این میدانی استکه رژیم در آن نقطه برتری مطلق دارد. با تن در دادن به چنین شیوه های مبارزاتی در اصل فعالین یا رهبران جنبش حکم نابودی خود و جنبش را تضمین می کنند.
انقلابیون تا زمانی شکست ناپذیرند که مانند ماهی در دریای توده ها شناور باشند. در میان توده ها برای دشمن نامرئی هستند. ماهی هایی که به هر دلیلی به ساحل پرتاب شوند قدرت نامرئی بودن و ضربه ناپذیری را از دست می دهند و به راحت ترین طعمه صیادان تبدیل می شوند.

زمانیکه شکل مبارزه بی موقع به سطح مسلحانه ارتقاء

یابد اکثریت مطلق توده های ناراضی و مخالف رژیم از ترس جان از انقلابیون جدا خواهند شد.
تعداد معدودی از کادرهای انقلابی بدون حمایت و پوشش مردمی در مقابل جنایت کاران و ماشین سرکوب آن قرار خواهند گرفت.
بقیه ماجرا نیازی به توضیح ندارد. ...

هیچ شکلی از مبارزه نمی تواند جدا از متن اجتماعی مبارزه برای همیشه تطهیر یا تکفیر شود.

آن ژنرالی که بدون توجه به میدان مبارزه و نیروی سرکوب حریف چند مبارز بی سلاح را به مصاف یک لشگر مجهز به تمام ابزار سرکوب می فرستد نشانه شجاعت و رادیکالیسم او نیست بیش از هر چیز نشانه کوری، نادانی، عدم تعهد و مسئولیت پذیری او نسبت به جان اطرافیان و همزمانش می باشد. ...

از هیچ گلوله و تفنگی سوسیالیزم و عدالت اجتماعی طابع نمی شود. به همین دلیل بدرستی گفته اند که قدرت از لوله تفنگ بیرون می آید ولی سیاست است که بر تفنگ حاکم است نه برعکس ... نگاهی به جنگ های آمریکا در خاورمیانه هم هرگونه شکی را زایل می کند. آنها در حالیکه برای جهانیان حقوق بشر موعظه می کنند در مقابله با دشمنانشان با مدرن ترین سلاحهای ویرانگر حرف می زنند اما این سلاح ها خود به خود شلیک نمی کنند در خدمت سازمان و سیاست مشخصی هستند ...

کسانی که مبارزه مسلحانه را تقدیس می کنند با کدام سازمان و سیاست می توانند این تفنگ ها را در خدمت آرمان هایشان قرار دهند؟ شاید فکر می کنند کافی است که صفیر شلیک گوله ها گوش فلک را کر کند تا از این تفنگها سوسیالیزم فواره زده و جهان را به گلزار تبدیل کند؟

اگر قرار بود از تفنگی سوسیالیزم برخیزد شرکت های سازنده سلاحهای مرگبار می بایست بهشت سوسیالیزم می شدند. ... در دهه پایانی قرن نوزدهم بیش از ۱۱۸ جنگ مسلحانه در جهان ثبت شده است. کدام یک از این جنگها به سوسیالیزم منتهی شدند؟
تعداد قابل توجهی از این جنگ ها به برقراری مرتجعانه ترین و کثیف ترین نوع حکومت های ناسیونالیستی و فاشیستی منتهی شده اند. یکی از مهمترین نشانه های چپ افراطی و پرستندگان باروت و انفجار، این است که کوچکترین درکی از ماهیت و پروسه تکاملی جنبش ها ندارند. به همین دلیل قبل از شروع می خواهند به خط پایان برسند! اینها نه تنها توان پیروزی، بلکه اراده پیروزی را ندارند. عاشق پیروزی نیستند، عاشق مادر پیروزی هستند! شکست مادر پیروزی است! به همین دلیل کوچکترین نیازی به تحلیل مشخص از شرایط مشخص ندارند. از

سی سال پیش تا حالا تحت هر شرایطی شکل مبارزه یکسان می ماند. مهم نیست که در این سی سال جهان چقدر تغییر کرده، احزابشان صدها انشعاب داده و در مسیر امتیزاسیون به شاخه های یک نفره هم رسیده اند.
شعار مقدس برای یک حزب میلیونی یا یک نفره یکی است!

رادیکال بودن یعنی چه؟

رادیکال بودن به مفهوم مسابقه در حماقت نیست. بخشی از اپوزیسیون بدون توجه به شرایط مشخص و توان جنبش دائمًا سطح مطالبات را بالا می برند. آنها نگران نیستند که با کدام نیرو و امکانات مادی و انسانی این خواسته ها عملی خواهد شد تنها به تکرار شعارهایی می پردازند که هیچ ارتباطی با سطح جنبش ندارد و بیانگر رویاهای این افراد می باشد. برای افرادی که توان تغییرات در زندگی شخصی و اجتماعی را ندارند به آرزو اندیشی متوسل می شوند. بقول مارکس انسانها به میزانیکه دستشان در تغییر شرایط کوتاه باشد آرزوهایشان درازتر می شود.

رادیکال بودن یعنی یک مسئله را بطور ریشه ای حل کردن.
دکتری که بر بالین بیمارش فریاد می زند زنده باد سلامتی تنها بی لیاقتی خودش را اثبات می کند.
نه انقلابی و رادیکال بودنش را.
شرط حل ریشه ای یک مشکل داشتن شناخت دقیق و کامل از مسئله مورد نظر می باشد نه فریادهای احساساتی.

دگم مبارزه مسالمت آمیز

طبیعی است که ما باید با تمام توان ذهنی و ابتکاری شیوه هایی از اعتراضات را معمول کنیم که توده های بیشتری را از کنج خانه ها بیرون می کشد ، آگاهی سیاسی و دخالتگری آنها را بالا می برد.
برای تحقق این امر نباید تنها بالای ابرها به رویا پردازی پرداخت. تاکتیک های رویا رویی با حریف، آنهم حریفی که بر تخت سلطنت جلوس کرده تنها به رویاها یا منافع ما بستگی ندارد به میزان زیادی به عکس العمل حریف و رویاهای حاکمان و منافع آنها هم بستگی دارد.

قوانین هر بازی تا زمامی پایدار می ماند که هر دو طرف در محدوده قابل قبولی به قوانین بازی تن در دهند.
زمانیکه مسالمت آمیزترین «تظاهرات سکوت» توده ها از طرف رهبر شمشیر کشی برعلیه نظام تعبیر می شود. طبیعی است که قداره بندانش حتی فرزندان معتقدین به همین نظام را به جرم گفتن الله و اکبر با تیر میزند.
با بعد از دستگیری به تمام ابعاد جسمانی و روحانی اش تجاوز کرده و زیر شکنجه می کشند.
پر واضح است که چنین رژیمی با مخالفین واقعی اش چه خواهد کرد ... رژیمی که در تجاوز به حقوق سیاسی، اجتماعی، انسانی مردم هیچ حدو مرزی را نمی شناسد. حتی به قوانین خودساخته نیز تجاوز می کند.
ماشین یکدست سازی این رژیم در پاکسازی و کشتار مخالفان بعد از سی سال هنوز به خط پایان نرسیده، تازه نوبت دوستان و رهبران نظام رسیده است.
کروبی و موسوی هردو، ستون استوار رژیم بودند از تمام صافی های سیستم و رهبر گذشتند.
قرار بود رئیس جمهور ایران شوند. رژیمی که انتقادات اینها راه حتی در چهار چوب قانون اساسی برنمی تابد، بزودی به هرگونه امید توده ها برای ثمر دادن مبارزه مسالمت آمیز نقطه پایان خواهد گذاشت.
بعد از این مرحله برای ابراز نارضایتی اساسا یک

راه باز خواهد ماند.
برای توده هایی که با دستان خالی با آنهمه جانفشانی در مقابل قداره بندان حجابن یوسف زمان قدعلم کردند تغییر تاکتیک مبارزه چندان مشکل نخواهد بود!

جواب پرستندگان مبارزه مسالمت آمیز برای این مشکلات چیست؟
درست مثل خامنه ای هرگونه شک علمی را نسبت به معتقدات خود، ممنوع کرده وبه انشا نویسی های رویایی ادامه می دهند.
توهم اینها برای تداوم مبارزه مسالمت آمیز و اصلاح رژیم، ریشه در عدم درک ماهیت توتالیتر جمهوری اسلامی ایران دارد.
آقایان حمید دباشی، اکبر گنجی، محسن سازگارا و بنی صدر ... که ابراز علاقه شدیدی به مبارزه گاندی وار می کنند متوجه نیستند که سی سال جنایت، سرکوب، تجاوز به تمامی زوایای زندگی و شخصیت انسانی یک جامعه گاندی تربیت نمی کند. چنین جامعه ای مهد پرورش میلیون ها چگوارا و بن لادن است.
من چگوارا را در مفهوم مثبت کاربرد خشونت و بن لادن را در مفهوم منفی و تروریستی آن بکار می برم.

دمکراسی تنها با انتخابات سنجیده نمی شود. بلکه دمکراسی در زندگی روزمره هم سنجش می شود.
مبارزه برای دمکراسی تنها پای صندوق های رای انجام نمی پذیرد.
زمانیکه به رای آنها توجه نشود سرانجام مبارزه از صندوق های رای به خیابانها، کارخانه ها، مراکز کار، دانشگاهها، ... سرازیر می شود.
زمانیکه دولت مطالبات و خواست توده ها را جدی نمی گیرد.
برای شنیدن صدای عدالت خواهانه آنها به جای رهبران سیاسی، نیروهای مسلح خود را به مقابله با مردم می فرستد.
سرانجام توده ها نیز سلاح انتقاد را به انتقاد مسلحانه تبدیل خواهند کرد. ...

طبیعی است که انقلابیون واقعی باید از هر فرصتی برای پیشبرد مقاصد شان به شیوه دمکراتیک و مسالمت آمیز حداکثر استفاده را بکنند.
زیباترین جشن پیروزی زمانی است که بدون ریختن قطره ای خون، مردم به مطالبات خود برسند.
ولی در میدان مبارزه واقعی اشکال مبارزه تنها بر اساس آرزوهای ستم دیدگان تعیین نمی شود.

آقای حمید دباشی چنان در دگم مبارزه مسالمت آمیز غرق شده است که با میکروسکوپ در تاریخ ایران بدنبال نمونه های دلخواه می گردد ولی پیدا نمی کند!
در نهایت تاسف، با توجه به استبداد آسیائی، تجربه تمام تاریخ ایران و ماهیت جمهوری اسلامی برای رسیدن به بهشت آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی باید از جهنم خونین جمهوری اسلامی رد شد.
بی جهت نیست که نادرشاه ها خود را فرزند شمشیر می دانند! ...

نباید فراموش کنیم که ماشین جنگی هیتلر و بسیاری از رژیم های دیکتاتور با شیوه های مسالمت آمیز و مبارزه مدنی در چهارچوب قانون هرگز سرنگون نمی شدند!

در تاریخ دوران هایی وجود دارند که قطار زمان با سرعتی غیرقابل تصور از مراحلی رد می شود.
برای دیدن نتایج تئوریها و تفسیر ها لازم نیست سالها صبر کنیم.
در آینده نزدیک تاریخ صحت یا بطلان تئوری یکی از ما را ثابت خواهد کرد

ادامه دارد ...



یک کودتا رژیم سلطنتی شاه را که سقوط کرده بود بر سر کار آوردند و بار دیگر در سال ۱۹۷۹ در کنفرانس گوادلوپ نیز خمینی را به انقلاب ضد سلطنتی ضد امپریالیستی مردم ایران تحمیل کردند و امروز نیز تلاش دارند عده ای را به مبارزات مردم ایران تحمیل کنند، عده ای که مهار مبارزات مردم را بدست گیرند و نگذارند مبارزه مردم به اهداف خود برسد، هدف دول غربی این است که منافع سیاسی اقتصادی خود را در ایران حفظ کنند چرا که علیرغم ژست های رژیم جمهوری اسلامی علیه غرب، تا مغز استخوان رژیم به نظام امپریالیستی جهان وابسته است و

متاسفانه در تفکر این گونه افراد مردم ایران کاملا غایب هستند.
تصویر آنان از ایران کاملا تابع تصویری است که رسانه های غرب «امپریالیستی» از ایران می دهند:
یک طرف غرب و اسرائیل قرار دارد و یک طرف رژیم ایران، و این دو طرف قرار است سرنوشت جامعه ایران را تعیین!!!!کنند

در سومین روز این جشن، حزب کمونیست فرانسه

ادامه در صفحه ۴

هموطنان عزیزمان حتی قادر به سازماندهی یک جمعیت هزار نفره هم نیستند. البته مسئله فرهنگ همکاری شرکت کنندگان با برگزارکنندگان حیرت انگیز است

ما چند تن از فعالین زنان هشت مارس، امسال انگیزه بسیار مهمی داشتیم تا با تدارک کافی در این جشن شرکت کنیم. گرچه به لحاظ مالی قادر به کرایه غرفه ای از آن خود نبودیم اما نزدیک به ۷۰۰۰ اعلامیه و بروشور برای این مراسم آماده کردیم. انگیزه مان رساندن صدای مبارزات میلیونها نفر از مردم ایران به گوش صدها هزار نفر شرکت کننده در این برنامه بود، رساندن صدای مردمی که با شجاعت و پیگیری برای بدست آوردن آزادی خود و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی که برنامه سرکوب مردم و انتقام گیری از جوانان را بی وقفه طی سه ماه گذشته به پیش برده است. افشای همه مرتجعین در سطح ملی و بین المللی که تلاش دارند مبارزه و فداکاری مردم را پشتوانه دعوای خانگی حاکمان جمهوری اسلامی کنند. شرکت ما در این جشن در ادامه فعالیت هایی است که طی سه ماه گذشته جهت جلب حمایت و همبستگی مردم این کشور به مبارزات مردم ایران به پیش برده ایم

کماکان ایران در صدر اخبار جهان قرار دارد و مردم جهان به مسائل ایران بسیار حساس هستند. با اینکه برخی افراد کیف و ساک شان لبریز از اطلاعات و نشریات گروههای گوناگون سیاسی بود، وقتی در دست ما اطلاعات به سر تیتیر «مبارزه در ایران ادامه دارد» و یا «در ایران چه می گذرد» را با تصاویری از زنان در حال مبارزه می دیدند، بسوی ما آمده و آن اطلاعاته ها را می گرفتند. برخی از ما تقاضای مطالب بیشتری می کردند

با پیش بینی شرکت و حضور گسترده احزاب و سازمانها، از قبل، پوشه هایی از مجموعه مطالب گوناگونی را که «تشکل زنان هشت مارس» در مورد مبارزات چند ماه اخیر

